

تفسیر سوره

ممتحنہ



سیمای سوره ممتحنه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای سیزده آیه است. به خاطر آیه دهم، که درباره امتحان زنان مهاجر است، آن را «ممتحنه» نام گذارده‌اند. محتوای این سوره درباره‌ی محبت به خداوند متعال و نهی از دوستی با دشمنان اوست و به مسلمانان سفارش می‌کند که حضرت ابراهیم علیه السلام را به عنوان الگوی خود قرار دهند و از او سرمشق بگیرند. از میان یکصد و چهارده سوره‌ی قرآن کریم، در آغاز نه سوره به مسئله دشمن‌شناسی توجه شده است؛ سوره‌های براءت، احزاب، محمد، ممتحنه، منافقون، معارج، یٰسین، کافرون و مسد. در قرآن، آیات دشمن‌شناسی بیش از آیات الاحکام است. یکصد و نود و یک مرتبه واژه‌ی «ضَلَّ»، پانصد و بیست و یک مرتبه واژه‌ی «کفر»، سی و هفت مرتبه واژه‌ی «نفاق» و چهل و پنج مرتبه واژه‌ی «صدّ» آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

﴿۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. شما با آنان طرح دوستی می‌افکنید، در حالی که آنان نسبت به حقّی که برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند. (علاوه بر آن که) آنان شما و پیامبر را به خاطر ایمان به خداوند که پروردگار شما است (از مگه) اخراج و آواره نموده‌اند. اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضای من (از وطن) بیرون آمده‌اید (با آنان دوستی نکنید). شما مخفیانه دوستی خود را به آنان می‌رسانید در حالی که من به آنچه مخفیانه و آنچه آشکارا انجام دهید آگاه‌ترم و هر کس از شما چنین کند قطعاً از راه راست گم گشته است.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «عدوّ» هم به یک نفر و هم به گروهی از افراد اطلاق می‌شود ولی در اینجا مراد، گروه است زیرا در مقابل آن، کلمه‌ی «اولیاء» که جمع است، به کار رفته است.^(۱)

۱. تفسیر المیزان.

■ مراد از اخراج پیامبر ﷺ و مسلمین، بدرفتاری با آنان بود تا جایی که پیامبر و مسلمین برای رهایی از بدرفتاری کفار، خودشان از مکه خارج شدند.^(۱)

■ در تفاسیر می‌خوانیم: یکی از یاران پیامبر ﷺ، نامه‌ای را به زنی داد تا برای مشرکان مکه ببرد و آنان را از تصمیم پیامبر ﷺ مبنی بر فتح مکه آگاه کند.

جبرئیل، موضوع را به رسول اکرم خبر داد و پیامبر ﷺ، حضرت علی علیه السلام، و جمع دیگری را برای پس گرفتن نامه از آن زن، به سوی مکه فرستاد و فرمود: در فلان منطقه آن زن را خواهید یافت. گروه اعزامی حرکت کردند و در همان نقطه‌ای که پیامبر فرموده بود، آن زن را یافتند و سراغ نامه را از او گرفتند. زن از وجود چنین نامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرد. بعضی از اصحاب، سخنان زن را باور کردند و خواستند به مدینه برگردند، اما حضرت علی علیه السلام فرمود: نه جبرئیل به پیامبر دروغ گفته و نه آن حضرت به ما، بنابراین قطعاً نامه‌ی مورد نظر در نزد این زن است. سپس شمشیر کشید که نامه را بگیرد. زن که مسئله را جدی دید، نامه را از میان موهای سرش بیرون آورد و آن را تحویل داد.

نامه را نزد پیامبر ﷺ آوردند. حضرت، نویسنده‌ی نامه - حاطب بن ابی بلتعنه - را احضار و او را توبیخ کرد. حاطب گفت: من خائن نیستم ولی از آنجا که بستگانم در مکه و در میان مشرکان به سر می‌برند، خواستم دل مشرکان را به دست بیاورم تا بستگانم در آسایش به سر برند. پیامبر ﷺ او را بخشیدند و این آیات نازل شد.

جالب این که این زن از مکه به مدینه آمد و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضای کمک کرد. حضرت از او پرسید: آیا به اسلام ایمان آورده‌ای؟ گفت: نه. فرمود: آیا از مکه هجرت کرده‌ای تا به مهاجرین ملحق شوی؟ گفت: نه. پرسید: پس چرا به مدینه آمده‌ای؟ گفت: برای دریافت کمک از شما. حضرت فرمود: پس جوانانی که در مکه دور تو بودند، چه شدند؟ (اشاره به این که تو در مکه خواننده بودی و مشتریان جوان داشتی!) گفت: بعد از شکست مردم مکه در جنگ بدر، دیگر کسی به سراغم نیامد (کنایه از عمق تأثیر شکست در روحیه‌ی مردم).

۱. تفسیر المیزان.

حضرت دستور داد تا به او کمک کنند. (آری، دستور کمک به غریبه گرچه کافر باشد).^(۱)
 از این ماجرا معلوم می‌شود که حفظ اسرار نظامی به قدری لازم است که حضرت علی علیه السلام
 حامل نامه را به کشتن تهدید کرد و فرمود: «لَا رَدَّ رَأْسٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»^(۲)

دشمن شناسی

قرآن در آیات متعددی از برنامه‌ها و توطئه‌های دشمن خبر می‌دهد و وظیفه‌ی مسلمانان را
 به آنان گوشزد می‌نماید:
 الف) افکار و آرزوهای دشمن:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾^(۳) قطعاً سخت‌ترین
 دشمنان اهل ایمان را یهودیان و مشرکان خواهی یافت.

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ يَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^(۴) نه
 کفار از اهل کتاب و نه مشرکان، هیچ کدام دوست ندارند که از طرف پروردگارتان به شما
 خیری برسد.

﴿وَدُّوا لَوْ تَدْعُهُمْ فَيُدْهِنُونَ﴾^(۵) آرزو دارند که شما نرمشی نشان دهید تا با شما سازش کنند.
 ﴿وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾^(۶) آرزو دارند که شما در رنج قرار گیرید.

﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ...﴾^(۷) آرزو دارند که شما از اسلحه و
 سرمایه خود غافل شوید.

ب) توطئه‌های دشمن:

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾^(۸) مخالفان، هرگونه توطئه‌ای را بر ضد شما به کار می‌برند.
 ﴿يُشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾^(۹) آنان گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند
 شما نیز گمراه شوید.

۱. تفاسیر مجمع‌البیان، روح‌البیان، صافی، مراغی، المیزان و نمونه با اندکی تفاوت در نقل.

۲. تفسیر المیزان. ۳. مائده، ۸۲. ۴. بقره، ۱۰۵.

۵. قلم، ۹. ۶. آل عمران، ۱۱۸. ۷. نساء، ۱۰۲.

۸. طارق، ۱۵. ۹. نساء، ۴۲.

ج) رفتار دشمن:

﴿انَّ الْكَافِرِينَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾^(۱) کافران دشمنان آشکار شمايند.
 ﴿يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾^(۲) با خدا و مؤمنان خدعه می کنند.
 ﴿ان يَتَّقُوا لَكُمْ اَعْدَاءُ﴾^(۳) اگر بر شما مسلط شوند دشمن شما می گردند.
 ﴿آمَنُوا بِالَّذِي انْزَلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجِهُ النَّهَارِ وَاكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^(۴) به آنچه که بر مؤمنان نازل شده صبحگاهان ايمان بياوريد و شامگاهان از ايمان برگريد (تا شايد مؤمنان نيز در حقانيت دين مردد شده و) برگردند.

د) وظیفه ی مسلمانان در برابر دشمن:

﴿هُم الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ﴾^(۵) آنان دشمنند پس از آنان حذر كنيد.
 ﴿وَاَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾^(۶) آنچه توان داريد براي مقابله با دشمن آماده كنيد.
 ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾^(۷) غير خودی ها را محرم اسرار نگیريد که رعایت نمی کنند.

پیام ها:

- ۱- جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾
- ۲- ايمان به خداوند با برقراری پیوند دوستی با دشمن خدا سازگار نیست. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي... أَوْلِيَاءَ﴾
- ۳- دشمن خدا در حقیقت دشمن مؤمنین نیز هست. ﴿عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ﴾
- ۴- گرچه کفار، دشمن ما هستند، ولی دلیل اصلی متارکه ی ما با آنان، دشمنی آنها با خداست. کلمه ی ﴿عَدُوِّي﴾ قبل از ﴿عَدُوَّكُمْ﴾ آمده است.

۱. نساء، ۱۰۱. ۲. بقره، ۹. ۳. ممتحنه، ۲.
 ۴. آل عمران، ۷۲. ۵. منافقون، ۴. ۶. انفال، ۶۰.
 ۷. آل عمران، ۱۱۹.

- ۵ - القای مودّت و ابراز دوستی با دشمنان، جرأت آنان را بیشتر می‌کند. ﴿تلقون الیهم بالمودّة و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ﴾
- ۶ - اوامر و نواهی خود را به طور مستدل بیان کنید. ﴿لا تتخذوا... قد کفروا... یخرجون الرسول و ایّاکم﴾
- ۷ - در سیاست خارجی، برقراری رابطه و قطع روابط باید بر اساس ملاک‌های دینی باشد. ﴿لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء﴾
- ۸ - دین از سیاست جدا نیست. (فرمان قطع رابطه با دشمنان یک دستور سیاسی است که در متن قرآن آمده است). ﴿لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء﴾
- ۹ - کفّار تنها در عقیده مخالف شما نیستند بلکه کمر به حذف شما بسته‌اند. ﴿کفروا... یخرجون الرسول و ایّاکم﴾
- ۱۰ - دشمنی کفّار با شما به خاطر ایمان شما به خداست. ﴿أن تؤمنوا باللّٰه ربّکم﴾
- ۱۱ - برقراری رابطه با کفّار در صورتی جایز است که آنها به ارزشهای شما احترام بگذارند و در صدد توطئه نباشند. ﴿لا تتخذوا... قد کفروا... یخرجون الرسول﴾
- ۱۲ - اسلام خواهان عزّت مسلمین است. (اظهار مودّت به گروهی که به مکتب شما کافرند و بر ضدّ شما توطئه می‌کنند، ذلّت است). ﴿تلقون الیهم بالمودّة و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ﴾
- ۱۳ - یک دل، دو دوستی بر نمی‌دارد. ﴿ان کنتم جهاداً فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودّة﴾
- ۱۴ - جهاد باید خالصانه و برای خدا باشد. ﴿جهاداً فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی﴾
- ۱۵ - خداوند از ارتباطات مخفیانه با کفّار آگاه است. ﴿انا اعلم بما اخفیتم﴾
- ۱۶ - توجّه به علم خداوند، سبب کاهش گناهان است. ﴿انا اعلم بما اخفیتم﴾
- ۱۷ - در تربیت، هم امر و نهی لازم است. ﴿لا تتخذوا﴾، هم استدلال لازم است. ﴿عدوی و عدوکم﴾، هم انگیزه لازم است. ﴿یخرجون الرسول و ایّاکم﴾،

و هم تهدید. «و انا اعلم بما اخفیت»

۱۸- چه بسیارند مؤمنانی که بد عاقبت می شوند. «الَّذِينَ آمَنُوا... ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

۱۹- چه بسیارند افرادی که در آغاز رزمنده بودند ولی در اثر رابطه با دشمنان بد

عاقبت شدند: «خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي... ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

۲۰- فکر تأمین منافع از طریق روابط سری با دشمنان دین، بیراهه رفتن و حرکتی

بی فرجام است. «و من یفعله منکم فقد ضلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

﴿۲﴾ إِنْ يَتَّقَوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ

بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

اگر بر شما مسلط شوند دشمنان (سرسخت) شما خواهند بود و دست و

زبانشان را به بدی، به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما

(از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید.

نکته ها:

□ کلمه «تقف» به معنای پیدا کردن و روبرو شدن است.

□ حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می نویسد: «ولكن احذر

كلّ الحذر من عدوك بعد صلحه فانّ العدو ربّما قارب ليتغفل» (حتی بعد از صلح، از خدعه

دشمن برحذر باش زیرا دشمن گاهی به شما نزدیک می شود تا شما را غافلگیر کند.

و در غررالحکم از آن حضرت می خوانیم: «لا تأمن عدوّاً و ان شکر» از دشمن، حتی اگر

زبان به ستایش گشود در امان مباش. دشمن مانند آب است که گرچه با حرارت گرم

می شود، ولی سرانجام سرد می شود. «... فانّه كالماء و ان اطيل سخانه بالنار لم يمتنع من

اطفائه»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- دلیل قطع رابطه با کفار پنج چیز است:
 - الف) مکتب شما را قبول ندارند. ﴿کفروا بما جاءکم من الحق﴾
 - ب) رهبر و امت را تحمّل نمی‌کنند. ﴿یخرجون الرسول و ایّاکم﴾
 - ج) اگر سلطه یابند، دشمنی خود را اعمال می‌کنند. ﴿ان یتفقوکم...﴾
 - د) با دست و زبان، آزارتان می‌دهند. ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم و السنتهم﴾
 - ه) می‌خواهند که شما از دین برگشته و مرتد شوید. ﴿ودّوا لو تکفرون﴾
- ۲- دشمنان به دنبال سلطه فرهنگی بر شما هستند. ﴿یتفقوکم﴾
- ۳- خاموشی دشمن، نشانه‌ی دوستی او نیست بلکه فرصت ضربه زدن نیافته است. ﴿ان یتفقوکم یکونوا لکم اعداء﴾
- ۴- دشمن هم تهاجم نظامی دارد، ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم﴾ هم تهاجم فرهنگی. ﴿و السنتهم﴾
- ۵- ریشه‌ی دست و زبان درازی‌های دشمن، خواسته‌های قلبی و درونی اوست. ﴿ییسطوا الیکم ایدیهم و السنتکم... وودّوا لو تکفرون﴾
- ۶- دشمنان، در دشمنی با شما، وحدت دارند. ﴿یکونوا... ییسطوا... وودّوا﴾
- ۷- هدف دشمن از ضربه‌های نظامی و فرهنگی، دست برداشتن شما از مکتب است. ﴿ودّوا لو تکفرون﴾
- ۸- تا کفر نورزید، دشمن از شما راضی نمی‌شود. ﴿ودّوا لو تکفرون﴾ (در آیه ۲۱۷ سوره بقره نیز می‌خوانیم: ﴿لایزالون یقاتلونکم حتّی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا﴾)

﴿۳﴾ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

در روز قیامت، نه خویشانان و نه فرزندان، هیچ کدام سودی برایتان نخواهند داشت. (در آن روز خداوند) میان شما و آنان جدایی خواهد افکند و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

نکته‌ها:

□ از آنجا که یکی از عوامل برقراری رابطه با دشمنان، حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی است، قرآن، می‌فرماید: خانواده و خویشاوند، در قیامت به کار شما نمی‌آید، پس به خاطر آنها خود را به گناه نیندازید.

□ ناکارآمدی بستگان و بریده شدن اسباب در قیامت بارها در قرآن مطرح شده است:

﴿فلا اسباب بینهم﴾^(۱) در آن روز نسبتی میان مردم در کار نیست.

﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾^(۲) در آن روز سبب‌ها قطع می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- عواطف خویشاوندی، گاهی زمینه تمایل به دشمنان است. ﴿تَسْرَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ... لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ﴾
- ۲- چه انگیزه‌ای برای رابطه با کفار دارید؟
قبلاً که مایلند شما هم کافر شوید. ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾
دست و زبان‌شان که بر ضد شماست. ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسُّنْتَهُمْ﴾
در قیامت هم که سودی برای شما ندارند. ﴿لَنْ يَنْفَعَكُمْ﴾
- ۳- از ناکارآمدی تکیه‌گاه‌ها و تنهایی خود در قیامت یاد کنید تا از کفار قطع امید کنید، گرچه از بستگان شما باشند. ﴿لَنْ يَنْفَعَكُمْ... يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾
- ۴- در روز قیامت، خدا بستگان منحرف را از مؤمنین جدا می‌کند، پس چرا برای چند روز دنیا، خود را به آنان وابسته کنیم؟ ﴿لَا تَتَّخِذُوا أَوْلِيَاءَ... يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ﴾
- ۵- ایمان به علم خداوند، عامل بازدارنده از گناه است. ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

۲. بقره، ۱۶۶.

۱. مؤمنون، ۱۱۰.

﴿۴﴾ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

همانا برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق و الگوی خوبی است، زیرا به قوم (مشرک) خود گفتند: همانا ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید، بیزاریم. ما به (آیین) شما کفر ورزیدیم و میان ما و شما کینه و دشمنی ابدی است مگر آنکه به خدای یگانه ایمان بیاورید. جز سخن ابراهیم به پدرش که قطعاً برای تو استغفار خواهم کرد و من برای تو (جز دعا و درخواست) مالک چیزی نیستم. پروردگارا بر تو توکل کردیم و به سوی تو انا به نمودیم و بازگشت ما به سوی تو است.

نکته‌ها:

- «اسوة» از «تأسی» به معنای پیروی کردن است.
- با توجه به آیات قبل که بعضی از مسلمانان به خاطر دریافت حفظ بستگان خود، مخفیانه یا آشکارا با کفار دوستی و موَدّت داشتند، این آیه می‌فرماید: بَرَاءت از کفار و مشرکین را از حضرت ابراهیم و یارانش بیاموزید.
- هنگامی که حضرت ابراهیم، پایداری پدر را به کفر و شرک دید و از هدایت او مأیوس شد، از او بَرَاءت جست و استغفار برای او، وعده‌ای بود که به پدر داد تا زمینه بازگشت او را فراهم سازد. چنانکه در سوره توبه آیه ۱۱۴ می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾
- در قرآن دو مرد و دو زن، به عنوان الگوی مومنان معرفی شده‌اند:

از مردان، حضرت ابراهیم عليه السلام، ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ﴾ و پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

﴿و لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة﴾^(۱)

و از زنان، همسر فرعون و حضرت مریم، که قرآن در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، آنان را در برابر همسران حضرت نوح و لوط، به عنوان زنانِ الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرئة فرعون... و مریم ابنت عمران﴾

البته در روایات، امام حسین علیه السلام «فلکم فی اسوة»^(۲) و حضرت زهرا علیها السلام نیز به عنوان الگو آمده‌اند. چنانکه حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: «و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»^(۳) دختر رسول خدا، الگوی نیکوی من است.

■ ویژگی‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن:

موفقیت کامل در امتحان‌های سخت الهی، ﴿فَاتَمَّهَنَّ﴾^(۴)

خدمت به مسجد. ﴿طَهَّرَا بَيْتِي﴾^(۵)

تسلیم خدا بودن. ﴿حَنِيفاً مَّسْلِماً﴾^(۶)

انابه به درگاه خدا و صبور و حلیم بودن. ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾^(۷)

به منزله یک امت بود. ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾^(۸)

وفادار بود. ﴿إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾^(۹)

قهرمان بود. ﴿تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ﴾^(۱۰) به خدا سوگند برای بت‌های شما نقشه می‌کشم.

هجرت. ﴿إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي﴾^(۱۱)

گذشت و ایثار. ﴿فَلَمَّا اسْلَمَا وَ تَلَّهَ لِلْجَبِينِ﴾^(۱۲)

۱. احزاب، ۲۱. ۲. مقتل ابی مخنف، ص ۸۶.

۳. بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۰. ۴. بقره، ۱۲۴. ۵. بقره، ۱۲۵.

۶. آل عمران، ۶۷. ۷. توبه، ۱۱۴. ۸. نحل، ۱۲۰.

۹. نجم، ۳۷. ۱۰. انبیاء، ۵۷. ۱۱. عنکبوت، ۲۶.

۱۲. صافات، ۱۰۳.

پیام‌ها:

- ۱- در تربیت و تبلیغ، ارائه نمونه‌ی عینی و عملی و الگو لازم است. ﴿قد كانت لكم اسوة حسنة﴾
- ۲- هم انبیا الگو هستند و هم تربیت شدگان آن بزرگواران. ﴿اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه﴾
- ۳- گذشت زمان، نقش الگوهای دینی و معنوی را کم رنگ نمی‌کند. حضرت ابراهیم می‌تواند برای امروز ما الگو باشد. ﴿كانت لكم اسوة حسنة فی ابراهیم﴾
- ۴- بستگان منحرف الگوها، دلیلی بر ترک آنها نیست. (در قرآن، کلمه ﴿أسوة﴾ برای پیامبر اسلام و حضرت ابراهیم به کار رفته است در حالی که عموی هر دو نفر، ناخلف بوده‌اند).
- ۵- بعضی الگوها نیکو و بعضی زشت هستند. ﴿اسوة حسنة﴾
- ۶- همگامی، همراهی و هماهنگی فکری و عملی با رهبران الهی لازم است. ﴿و الذین معه﴾
- ۷- صلابت و صراحت در اظهار برائت از مشرکان، یک ارزش است. ﴿اذ قالوا لقومهم انا براؤا منکم﴾
- ۸- پرونده‌های قومی و روابط اجتماعی نباید مانع اظهار حق شود. ﴿قالوا لقومهم...﴾
- ۹- محور برائت، شرک و اسباب شرک و دوری از خداست. ﴿برءاؤا منکم و ممّا تعبدون من دون الله﴾
- ۱۰- برائت باید مکتبی و هدفدار باشد نه انتقامی. ﴿بدا بیننا و بینکم العداوة والبغضاء ابدأ حتی تؤمنوا﴾
- ۱۱- برائت تنها با لفظ نیست. ﴿انا براؤا﴾ مرحله لفظی است، ﴿کفرنا﴾ مرحله قلبی است و ﴿بدا بیننا و بینکم العداوة والبغضاء﴾ مرحله عملی است.
- ۱۲- ایمان، باید از هرگونه شرک، خالص باشد. ﴿تؤمنوا بالله وحده﴾

۱۳- جبهه‌گیری و قاطعیت در برابر کفر و شرک، به توکل، نیایش و توجه به معاد نیاز دارد. ﴿اَنَا بِرَأْوَا... عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا﴾

۱۴- معنای توکل گوشه‌گیری و انفعال نیست، بلکه در کنار اعلام برائت صریح و موضع‌گیری شدید نسبت به مشرکان، توکل معنا دارد. ﴿اَنَا بِرَأْوَا... كَفَرْنَا... تَوَكَّلْنَا﴾

۱۵- توکل داروی رفع نگرانی‌هاست. چون اعلام برائت آن هم با قاطعیت و صراحت ممکن است آثار سوئی را در پی داشته باشد، توکل لازم است. ﴿اَنَا بِرَأْوَا مِنْكُمْ... عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا﴾

۱۶- هر کجا سخنی می‌گویید و تصمیمی از خود نشان می‌دهید، نفس خود را با یاد او مهار کنید. ﴿اَنَا بِرَأْوَا... كَفَرْنَا بِكُمْ، بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ... رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا، وَ عَلَيْكَ انْبَنَّا، وَ عَلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

۱۷- توکل و انابه باید تنها به درگاه خدا باشد. ﴿عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ عَلَيْكَ انْبَنَّا﴾ (کلمه ﴿عَلَيْكَ﴾ و ﴿عَلَيْكَ﴾ مقدم بر ﴿تَوَكَّلْنَا﴾ و ﴿انْبَنَّا﴾ نشانه انحصار است).

۱۸- اولیای خدا، خود را مالک چیزی نمی‌دانند و به خود اجازه نمی‌دهند قانون الهی را عوض کنند. ﴿لَا سَتَغْفِرُونَ لَكَ وَ مَا اَمْلَكَ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾

۱۹- مسیر تمام هستی و مسیر ما به سوی اوست. ﴿عَلَيْكَ انْبَنَّا وَ عَلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾

﴿هٗ﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ أَغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا ما را محنت کش کافران قرار مده و ما را بیامرز، پروردگارا تو خود عزیز و حکیمی.

نکته‌ها:

□ «فتنة» در لغت به معنای آشوب، امتحان، عذاب، بلا و آزار آمده است. آزار مسلمین، آزمایشی برای کفار است تا خبثت و عناد خود را اظهار کنند، به سلطه خود مغرور شوند و

قدرت خود را نشانه حقانیت خود بدانند.

□ در آیات قبل سخن از برائت و قاطعیت و پرهیز از دوستی با کفار بود، این آیه در قالب دعا مطالب آیات قبل را تأکید می‌کند که پروردگارا ما ابزار دست مخالفین نشویم.

پیام‌ها:

۱- از آداب دعا، خطاب «یا رب» است. معمولاً دعا‌های قرآن با کلمه «ربنا» آغاز می‌شود.

۲- مسلمانان در قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی نباید به شیوه‌ای عمل کنند که مورد سوء استفاده کفار قرار گیرند و راه فشار و سلطه کفار را به روی خود بگشایند. «لا تجعلنا فتنة للذين كفروا»

۳- دین و سیاست در کنار هم هستند، برائت از کفار، در کنار طلب مغفرت از خدا. یک دعا رنگ سیاسی دارد و دعای دیگر رنگ معنوی. «ربنا لا تجعلنا... و اغفر لنا»

۴- گاهی گناهان سبب فتنه قرار گرفتن می‌شوند. «لا تجعلنا فتنة... و اغفر لنا»
۵- به درگاه کسی رو کنیم که هم توانمند است و هم حکیم. «ربنا... انک انت العزيز الحکیم»

۶- ابزار دست کفار قرار نگرفتن، رمز عزت است. «لا تجعلنا فتنة... انت العزيز»
۷- رفتار بسیاری از قدرتمندان حکیمانه نیست، ولی خداوند هم عزیز است و هم حکیم. «انت العزيز الحکیم»

﴿۶﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

همانا برای شما در (روش) آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است
برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کس روی بربتابد،
خداوند بی نیاز و ستوده است.

نکته‌ها:

□ در این آیه و در آیه ۲۱ سوره احزاب که سخن از الگو بودن حضرت ابراهیم و حضرت محمد ﷺ است، داشتن امید به خدا و روز قیامت، شرط الگو پذیری معرفی شده است. ﴿لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا...﴾

□ بعد از سه بار تکرار کلمه‌ی «رَبَّنَا» در آیات ۴ و ۵، باز هم می‌فرماید: آنان اسوه هستند، یعنی نه تنها در برائت، بلکه در دعا و مناجات هم اسوة هستند.

پیام‌ها:

- ۱- الگوهای الهی تاریخ مصرف ندارند. ﴿لَكُمْ فِيهِمْ اسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾
- ۲- نه فقط پیامبران، بلکه یاران صادق آنها نیز برای ما الگو هستند. ﴿فِيهِمْ﴾
- ۳- عقاید صحیح زیر بنای الگوپذیری در رفتار و اخلاق است. ﴿اسْوَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾ (آری کسانی از الگوهای صحیح بهره‌مند می‌شوند که نور امید در دلشان روشن باشد. «یرجوا» و کسانی پشت می‌کنند که افراد مأیوس و به اصطلاح بریده هستند. «یتولّو»)
- ۴- ایمانی ارزش دارد که ثابت باشد. «کان یرجوا الله...» (ترکیب «کان» با فعل مضارع، نشان استمرار و ثبات است).
- ۵- اعراض مردم از الگوهای الهی، به خداوند و اولیایش ضربه‌ای نمی‌زند. ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾

﴿۷﴾ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ

قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه‌ی اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است.

نکته‌ها:

□ این آیه به مسلمین که به خاطر قطع رابطه با خویشاوندان کافر احساس کمبود و خلاء عاطفی می‌کردند، پیام می‌دهد که در آینده جبران خواهد شد و بسیاری از آنان به اسلام گرایش پیدا می‌کنند.

□ با توجه به این که عداوت قبلی بر اساس برائت از کفر بوده است، پس تبدیل آن به مودت باید از طریق ایمان آوردن کفار باشد نه آن که تکلیف برائت ساقط شود.

پیام‌ها:

- ۱- از هدایت کفار مأیوس نشوید. ﴿عسی الله﴾
- ۲- عداوت، اصل نیست، بلکه یک ضرورت عارضی است و باید شرایط را عادی کنیم. ﴿ان يجعل بینکم... مودة﴾
- ۳- دگرگونی دلها و ایجاد مودت‌ها به دست خداست. ﴿عسی الله ان يجعل... مودة﴾
- ۴- شما از دوستی و مودت مخفیانه با کفار دست بردارید، خداوند مودت واقعی را جایگزین می‌کند. ﴿تلقون الیهم بالمودة... يجعل بینکم... مودة﴾
- ۵- از تبدیل عداوت به مودت تعجب نکنید که خداوند بر هر کاری قادر است. ﴿والله قدیر﴾
- ۶- بد رفتاری‌های گذشته کفار نسبت به مسلمین قابل عفو و اغماض است. ﴿والله غفور رحیم﴾
- ۷- بخشش خداوند برخاسته از رحمت اوست. ﴿والله غفور رحیم﴾

﴿۸﴾ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ نکرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون ننموده‌اند منع نمی‌کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

نکته‌ها:

■ کافران دو دسته‌اند، گروهی درصدد دشمنی و توطئه علیه مسلمانانند که در آیات قبل فرمود: چرا شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید، از آنان برائت بجوئید که خدا برای شما کافی است. اما یک دسته از کفار، علیه شما اقدامی نکرده و در صدد توطئه علیه شما نیستند، این آیه می‌فرماید: با آنان به نیکی رفتار کنید و برقراری رابطه با آنان معنی ندارد.

■ سیاست خارجی اسلام بر اساس جذب و جلب دیگران است و این امر از طرق زیر قابل دستیابی است:

- ۱- نیکی. ﴿تبرؤهم﴾ با آنان نیکی کنید.
 - ۲- عدالت. ﴿تقسطوا الیهم﴾ نسبت به آنان قسط و عدالت داشته باشند.
 - ۳- مهلت تحقیق. ﴿و ان احد من المشرکین استجارک فاجره حتّٰی یسمع کلام اللّٰه﴾^(۱) اگر یکی از آنان مهلت خواست، به او مهلت بدهید تا کلام خدا را بشنود.
 - ۴- قبول پیشنهاد صلح. ﴿و ان جنحوا للسلم فاجنح لها﴾^(۲) اگر برای زندگی مسالمت‌آمیز آغوش باز کردند پیشنهاد صلح آنان را بپذیر.
 - ۵- کمک مالی به آنان. ﴿والمؤفّة قلوبهم﴾^(۳) سهمی از زکات برای ایجاد الفت با آنان مصرف شود.
- عردّ امانات آنان، وفا به عهد با آنان، محترم شمردن پیمان‌های آنان و نیکی به والدین آنان.
- بر اساس این آیه، کفار غیر حربی که بنای جنگ با مسلمانان را ندارند و در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، از حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند.

پیام‌ها:

- ۱- حساب کفار بی‌آزار از کفار آزاررسان جداست. ﴿لم یقاتلوکم... لم یخرجوکم﴾
- ۲- اسلام دین نیکی و عدالت است، حتّٰی نسبت به کفار. ﴿ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم﴾

۱. توبه، ۶۰.

۲. انفال، ۶۱.

۳. توبه، ۶۰.

۳- با اعلام محبت الهی، انگیزه‌ها را بالا ببرید. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾

﴿۹﴾ إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جز این نیست که خداوند شما را از دوستی ورزیدن با کسانی نهی می‌کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند و یا در اخراج شما همدستی کرده‌اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند.

نکته‌ها:

- امروز که تفسیر این آیه را می‌نویسم، اسرائیل به مناطق مسلمان‌نشین از زمین و آسمان هجوم کرده، آنان را از وطن خود اخراج می‌کند و جمعی را به شهادت می‌رساند. طبق فرمان این آیه بر تمام مسلمانان واجب است که با رژیم صهیونیستی قطع رابطه کنند و آنان را دوست نگیرند. این آیه نیز از آیات سیاسی قرآن است.
- با این که مفهوم این آیه در محتوای آیه قبل بود لکن برای شفاف بودن روابط، خداوند جداگانه مسئله را طرح کرد.

پیام‌ها:

- ۱- ظلم حرام است خواه مستقلاً باشد و خواه با حمایت و مشارکت. (آری حامیان کفار حربی، شریک جرم آنها هستند.) ﴿اخرجوكم... ظاهروا علی اخراجکم﴾
- ۲- حتی اگر مظلوم شدید، دوستی با کفار را قطع کنید نه آن که دست از نیکی بردارید. (نهی از دوستی است نه چیز دیگر.) ﴿ینهاکم... ان تولوهم﴾
- ۳- بیرون راندن افراد از وطن خود، ممنوع است و می‌توان با این زورگویان، به

عنوان جهاد اسلامی مبارزه کرد. «انما ینهاکم عن الذین... اخرجوکم من دیارکم»
 ۴- به اسم نوع دوستی و انسان دوستی، مسالمت با کفار حربی ممنوع است. «و
 من یتولهم فاولئک هم الظالمون»

﴿۱۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ
 اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى
 الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَاتُوهُنَّ مَّا أَنفَقُوا وَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا
 بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسْئَلُوا مَّا أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ
 حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده)
 هجرت کنان نزد شما آمدند آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند
 به ایمان آنان آگاه‌تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی
 کفار باز نگردانید، نه اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلال و
 آنچه را که شوهران کافر (برای این زنان) پرداخت کرده‌اند (از قبیل
 مهریه) به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید به
 شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و همسران کافره را به همسری نگاه
 ندارید و آنچه از برای آنان پرداخت کرده‌اید از کفار بگیرید همان گونه
 (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می‌شد)، هزینه‌هایی را که شوهران
 کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی
 است که خداوند میان شما مقرر داشته و خداوند آگاه حکیم است.

نکته‌ها:

□ یکی از بندهای قرارداد صلح حدیبیه این بود که اگر مشرکی از مکه به مسلمانان مدینه

- پیوست، مسلمانان او را به مشرکان باز گردانند. این آیه می‌فرماید: مسئله باز گرداندن شامل زنان مهاجری که به مسلمانان پناهنده شده‌اند نمی‌شود.
- این آیه از آیات حقوقی و اجتماعی قرآن است.
- مهریه زن کافری که مسلمان شده و به جامعه اسلامی پیوندند به شوهر کافرش داده می‌شود، ﴿اتوهم ما انفقوا﴾ و این مهریه را باید از بیت المال پرداخت.^(۱)
- کلمه «عصم» جمع «عصمت» به معنای وسیله نگاهداری است.
- در این آیه، سیمای عدالت‌پرور مکتب جلوه می‌کند. اولاً زن هجرت کرده را تنها به حال خود رها نمی‌کند، ثانیاً حق شوهر کافری که زن خود را از دست داده است، نادیده نمی‌گیرد و مهریه‌ای را که پرداخت کرده به او باز می‌گرداند، ثالثاً نیاز غریزی و عاطفی زن را با فرمان ﴿تنحکوهن﴾ و نیاز مالی او را با فرمان ﴿اجورهن﴾ تأمین می‌کند.
- هجرت ممکن است به خاطر فرار از شوهر یا علاقه به زندگی جدید یا جاسوسی یا رسیدن به مال و فامیل باشد لذا باید با آزمایش انگیزه‌ها روشن شود.
- کفار چند دسته هستند:^(۲)
- یا همگی بر کفر اصرار دارند که آیه اول مبنی بر براءت و متارکه مسلمانان، به آنان نظر داشت. ﴿لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء... قد کفروا بما جاءکم من الحق﴾
- یا به طور دسته جمعی دشمنی با شما را ترک می‌کنند. ﴿عسی اللہ ان یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة﴾ (آیه ۷ همین سوره)
- یا تفکیک صورت می‌گیرد، مثلاً زن مسلمان می‌شود ولی مرد کافر باقی می‌ماند و یا بالعکس که در این صورت، مسلمان به شما ملحق می‌شود. ﴿جاءکم المؤمنات مهاجرات﴾
- در بیان مهریه اول کلمه «نفقه» به کار رفته ﴿انفقوا... انفقتم﴾ ولی در مورد مهریه ازدواج دوم، کلمه ﴿اجورهن﴾ به کار رفته است. با توجه به پنج موردی که کلمه ﴿اجورهن﴾ در قرآن آمده است، به نظر می‌رسد کلمه «اجر» برای زنان بیوه و ازدواج دوم آنها است.

۱. تفاسیر المیزان، نمونه، فرقان.

۲. تفاسیر کبیر فخر رازی و مراغی.

□ وقتی ایمان آوردن یکی از دو همسر، عقد قبلی را بهم می‌زند، پس به طریق اولی، اگر قبل از عقد، زن کافر باشد عقدی محقق نمی‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «لا ینبغی نکاح اهل الکتاب» ازدواج با زنان اهل کتاب (یهود و نصاری) سزاوار نیست. آنگاه امام فرمود: «ولا تمسکوا بعصم الکوافر»^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- زنان در انتخاب دین و انجام وظایف دینی تابع شوهر نیستند و حتی می‌توانند برای حفظ دین خود هجرت نمایند. «جاءکم المؤمنات مهاجرات»
- ۲- مدعیان بازگشت از کفر به ایمان، باید مورد آزمایش و امتحان قرار بگیرند. «جاءکم المؤمنات... امتحوهن»
- ۳- گرینش و آزمایش، هر کجا که خطر جاسوسی و امثال آن هست لازم است. «فامتحوهن»
- ۴- با دید مثبت به مردم نگاه کنید. «جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحوهن» (با این که هنوز امتحان نشده‌اند، اما آیه لقب مؤمن به آنان داده شده است).
- ۵ - علم خداوند به امور، از ما سلب مسئولیت نمی‌کند. «فامتحوهن الله اعلم بایمانهن»
- ۶- در برخورد با افراد، ما مأمور به ملاک‌های ظاهری هستیم، نه وسواس و سوء ظن. «فامتحوهن الله اعلم بایمانهن»
- ۷- یقین را با یقین دیگری بشکنید. (چون سابقاً زن کافر بوده، باید با امتحان علم به ایمان او پیدا کنیم). «فامتحوهن... فان علمتموهن مؤمنات»
- ۸- نقش ایمان در مسایل خانوادگی و زناشویی بسیار مهم است. اگر زن کافری مؤمن شد، او را به شوهر کافرش برنگردانید زیرا همسر کافر محیط خانواده را ناسالم می‌کند. «فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۹- سلطه و حکومت کافر بر مسلمان از هر جهت ممنوع است، خواه سیاسی و اجتماعی باشد که قرآن می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^(۱) و خواه خانوادگی باشد که این آیه می‌فرماید: زن مسلمان نباید تحت امر شوهر کافر باشد. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾

۱۰- جامعه و محیط در فرد مؤثر است. ممکن است محیط کفر، زن مسلمان را در خود هضم کند، پس او را به کفار برنگردانید. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾
 ۱۱- کفر یکی از طرفین ازدواج، منجر به طلاق قهری می‌شود. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾

۱۲- به علاقه شخصی مرد به همسر قانع نشوید، ممکن است شوهر، زن را دوست داشته باشد ولی جامعه فاسد بر روح زن فشار وارد کند. ﴿فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ﴾ (و نفرمود: «الی زوجه»)

۱۳- ایمان، زیر بنای ازدواج است و کافر، کفو و همتای مؤمن نیست. ﴿لَا هُنَّ حُلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحُلُّونَ لَهُنَّ﴾

۱۴- جدایی زناشویی دلیل نادیده گرفتن حقوق مالی نیست، حتی اگر کافر هزینه‌ای را پرداخته باید از طرف مسلمانان به او پرداخت شود. ﴿لَا هُمْ يَحُلُّونَ لَهُنَّ وَ اتَوْهُمَ مَا انْفَقُوا﴾

۱۵- هر ازدواجی، مهریه جداگانه دارد. (مهریه قبلی که شوهر کافر داده است پیردازید و برای ازدواج دوم که خودتان اقدام می‌کنید باید مهریه جداگانه بدهید. ﴿اتَوْهُمَ مَا انْفَقُوا... اتَيْتُمُوهُنَّ اجورهنَّ﴾)

۱۶- حق مالکیت و حقوق مالی کفار غیر حربی محفوظ است. ﴿اتَوْهُمَ مَا انْفَقُوا﴾

۱۷- اولین نیاز زن همسر شایسته است. ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ تَنَكَحُوهُنَّ﴾

۱۸- سابقه کفر، مانع ازدواج با تازه مسلمان نیست. ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ تَنَكَحُوهُنَّ﴾

- ۱۹- مهریه، حق زن است. «اجورهن»
- ۲۰- هم نیاز غریزی باید تأمین شود «تنکوهن» و هم نیاز مالی. «اجورهن»
- ۲۱- از زن بودن و تنهایی و غربت و تازه مسلمان بودن دیگران سوء استفاده نکنید. «اتیموهن اجورهن»
- ۲۲- کفر، کلید جدایی است و مسائلی از قبیل ازدواج و عشق به همسر و فرزند و سابقه زندگی مانع جدایی نیست. «ولا تمسکوا بعصم الکوافر»
- ۲۳- حفظ حقوق، طرفینی است، حق شما و حق کفار نباید نادیده گرفته شود. (اگر زن مسلمانی کافر شد و به کفار پیوست، مهریه‌ای که هزینه کرده‌اید از کفار بگیرید و اگر زن کافری به مسلمانان پیوست، مهریه‌ای که کافر پرداخت کرده به او بدهید). «واسئلوا ما انفقتم ولیسئلوا ما انفقوا»
- ۲۴- پناهندگی، در اسلام پذیرفته شده است، به شرط آنکه اولاً افراد آزمایش شوند ثانیاً مسئله مالی یا زیبایی و زشتی در پناه دادن مطرح نباشد ثالثاً هزینه‌ای را که کفار پرداخت کرده‌اند به آنان بپردازند و کفار حق مطالبه دارند. «إذا جاءکم... مهاجرات فامتوهن... اتوهم ما انفقوا... ولیسئلوا ما انفقوا»
- ۲۵- دستورات الهی، حکیمانه و عالمانه است. «ذلکم حکم اللّٰه یحکم بینکم واللّٰه علیم حکیم»

﴿۱۱﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا
الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ
مُؤْمِنُونَ

و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته‌اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه‌ای که پرداخت کرده‌اید، از کفار دریافت کنید) پس آنان را تعقیب کرده (و به چیزی رسیدید) به آنان که همسرانشان رفته‌اند معادل آنچه خرج کرده‌اند بپردازید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید.

نکته‌ها:

□ در آیه قبل، سخن از پرداخت حق شوهران کافر بود، در این آیه، سخن از گرفتن حق خود از آنان است.

پیام‌ها:

- ۱- حق باید به حق‌دار برسد، گرچه با تأخیر باشد. ﴿فاتکم شیء... فاتوا... مثل﴾
 - ۲- آنچه به خاطر ایمان، از فرد مسلمان فوت می‌شود، باید توسط نظام اسلامی جبران شود. ﴿فاتکم شیء... فأتوا﴾
 - ۳- تعقیب کفار برای حفظ اموال مسلمانان و جبران خسارت آنان جایز است. ﴿فاتکم... فعاقبتم﴾
 - ۴- برای گرفتن حق خود قیام کنید. ﴿فاتکم... فعاقبتم﴾
 - ۵- افراد آسیب‌پذیر باید مرود حمایت قرار گیرند و از بیت المال یا غنائم، خسارت آنها جبران شود. ﴿فاتکم شیء... فاتوا... مثل ما انفقوا﴾
 - ۶- در گرفتن حق، غضب خود را کنترل کنید. ﴿مثل ما انفقوا واتقوا الله﴾
 - ۷- مسایل مالی لغزشگاه است. ﴿فاتوا... مثل ما انفقوا واتقوا الله﴾
 - ۸- هم خسارت دیده در ادعای خسارت تقوا داشته باشد و بیش از آنچه خسارت کرده، مطالبه نکند و هم جامعه در پرداخت آن طفره نرود. ﴿اتقوا الله﴾
 - ۹- نشانه‌ی ایمان واقعی، تقوی است. ﴿واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون﴾
- ﴿۱۲﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و در میان دست و پای خود، مرتکب هیچ گونه نسبت ناروایی نشوند (و فرزندی را به دیگری به ناحق نسبت ندهند) و در هیچ کار خیری تو را نافرمانی نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته‌ها:

- در روز فتح مکه، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ روی کوه صفا از مردان بیعت گرفت، زنان نیز نزد حضرت آمدند تا بیعت کنند، این آیه نازل شد و چگونگی بیعت را شرح داد.
- بیعت پیامبر با زنان، این گونه بود که حضرت دست مبارکشان را در ظرف آبی قرار دادند و سپس زنان دست در آن فرو بردند. «ادخلن ایدیکن فی هذه الماء فهی البیعه»^(۱)
- شروطی که در این آیه نام برده شده، از اصول اعتقادی و اخلاقی است که زن و مرد، هر دو باید مراعات نمایند.

پیام‌ها:

- ۱- زن، موجودی مستقل، با اراده، انتخابگر و دارای شخصیت حقیقی و حقوقی مستقل است، تا آنجا که در صدر اسلام، زنان مستقیماً با پیامبر اسلام گفتگو و اظهار نظر می‌کردند. «إذا جاءک المؤمنات یتابعنک...»
- ۲- برخورد رهبر اسلامی نسبت به زن و مرد تفاوتی ندارد و در دسترس همه است. «جاءک المؤمنات»
- ۳- دین از سیاست جدا نیست. «المؤمنات یتابعنک» (بیعت، امری سیاسی است).
- ۴- گرایش به کثرت آمار مسلمانان، شما را از ارزش‌ها غافل نکند و هر کس را نپذیرید. «یتابعنک علی ان لا یشرکن...»

۱. تفاسیر مجمع البیان و نورالثقلین.

۵ - امنیّت از موضوعات مورد توجّه نظام اسلامی است؛

هم امنیّت مالی و اقتصادی، ﴿لا یسرّقن﴾

هم امنیّت خانوادگی، ﴿لا یزنین﴾

هم امنیّت جانی، ﴿لا یقتلن﴾

هم امنیّت عرضی، ﴿لا یأتین بهتان﴾

و هم امنیّت سیاسی، اجتماعی. ﴿لا یعصینک فی معروف﴾

۶ - اصلاح عقاید، بر اصلاح رفتار مقدّم است. (ابتدا ﴿لا یشرکن﴾، سپس موضوعات دیگر)

۷ - ایمان به تنهایی کافی نیست، تعهد و بیعت بر عمل و اطاعت از رهبر جامعه اسلامی لازم است. ﴿المؤمنات یبایعنک علی ان لا...﴾

۸ - سلامت زن از مفاسد، زمینه سلامت جامعه است. ﴿لا یشرکن...﴾

۹ - شرک به هیچ وجه قابل قبول نیست. (کلمه ﴿شیئاً﴾ در کنار ﴿لا یشرکن﴾ نشان آن است که حتّی ذره‌ای از آن قابل اغماض نیست)

۱۰ - در نهی از منکر، با تمام مظاهر منکر مبارزه کنید، اعتقادی ﴿لا یشرکن﴾،

اقتصادی ﴿لا یسرّقن﴾، جنسی ﴿لا یزنین﴾، خانوادگی ﴿لا یقتلن اولادهن﴾، اجتماعی. ﴿لا یأتین بهتان﴾

۱۱ - حفظ آبروی مردم مهم است و ذره‌ای نباید خدشه دار شود. ﴿لا یأتین بیهتان﴾

۱۲ - در نظام اسلامی رهبری محور است و تمام مردم باید مطیع او باشند. ﴿لا یعصینک﴾ (به جای «لا یعصین الله»)

۱۳ - اگر منکرات نباشد پیمودن راه معروف آسان است. (منکرات به صورت جدا

جدا آمده، ولی معروف در یک جمله آمده است.) ﴿لا یعصینک فی معروف﴾

۱۴ - زنان در مسایل عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی در کنار مردان هستند و

پیامبر اکرم ﷺ در پرتو وحی با آنان رفتار عادلانه داشت. ﴿فبایعهن﴾

۱۵ - شرایط بیعت، باید شفاف و متناسب با آسیب پذیری بیعت کنندگان باشد.

- (مسئله سرقت، زنا، فرزند کشی، تهمت در خانواده‌های جاهلیت رواج بیشتری داشت). «بیایمک علی آن لا... فبايعهن»
- ۱۶- پیامبر اکرم ﷺ مأمور به دعا و استغفار برای کسانی است که با او بیعت نمایند. «واستغفر لهن»
- ۱۷- توسل به اولیای خدا جایز و دعای آنان مستجاب است و گرنه خداوند فرمان دعا صادر نمی‌کرد. «واستغفر لهن»
- ۱۸- گرچه اسلام آوردن، کارهای دوران کفر را می‌پوشاند و محو می‌کند ولی باز هم به دعای پیامبر نیاز است. «واستغفر لهن»
- ۱۹- سوابق بد مردم، مانع دعا به آنان نشود. «استغفر لهن»
- ۲۰- رحمت و مغفرت خداوند پشتوانه استجاب دعاهاست. «واستغفر... ان الله غفور رحيم»

﴿۱۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَسْؤُوا
مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، گروهی را که خداوند بر آنان غضب کرده به سرپرستی، یا دوستی و یاری نگیرید، آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار از (بازگشت) اهل قبور مأیوسند.

نکته‌ها:

- «تولی» گاهی به معنای دوستی و گاهی به معنای قبول ولایت و سرپرستی است و هر دو معنی در این آیه نهی شده است.
- مراد از غضب شدگان در این آیه، یهود هستند و مراد از کفار، مشرکان مکه، یهودیان از ثواب آخرت مأیوسند و مشرکان منکر قیامت، از مردگان خود.^(۱)

۱. تفسیر المیزان.

■ اولین آیه در باره‌ی برائت از دشمنان خدا و مسلمانان بود و آخرین آیه نیز در همین باره است. این تنها سوره‌ای است که آیه اول و آخر آن با ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز شده است.

■ اقوام غضب شده چه گروه‌هایی هستند؟

قرآن درباره یهود می‌فرماید: ﴿فَبَاؤُوا بَغْضَ﴾^(۱) آنان به قهر و غضب الهی گرفتار شدند.

درباره قاتلان و منافقان می‌فرماید: ﴿غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾^(۲) خداوند بر آنان غضب کرد.

درباره عالمان بی‌عمل می‌فرماید: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ﴾^(۳) نزد خداوند غضب بزرگی برای کسانی است که به گفته‌های و وعده‌های خود عمل نمی‌کنند.

کسانی نظیر قارون، فرعون، ابولهب و بلعم باعورا نیز در قرآن مورد غضب قرار گرفته‌اند.

■ یأس از آخرت، یعنی یأس از قدرت، حکمت و عدالت خدا. کسی که آخرت را قبول ندارد، به بن بست می‌رسد. او دلیلی برای بودن و ماندن ندارد. زیرا پیش خود می‌گوید: اگر بعد از مدّت‌ها رنج و تلاش باید با مُردن نابود شویم، از همین امروز خود را نابود کنیم، بهتر است. اگر همه به سوی نابودی می‌رویم، تعلیم و تربیت و خدمت معنا ندارد. اگر این ساختمان قرار است منفجر شود، ساخت و حفاظت و تعمیر و تزئین آن معنا ندارد.

اگر فدا و فنا می‌شویم، چرا از کامیابی‌ها و هوس‌ها صرف نظر کنیم؟

ما که مورد سؤال قرار نمی‌گیریم، پس تا زنده‌ایم مردم را فدای هوس‌های خودمان کنیم.

پیام‌ها:

- ۱- دوست خدا، با کسانی که مورد غضب او هستند، رابطه دوستی ندارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا﴾
- ۲- گرچه اهل کتاب به قیامت اعتقاد دارند، امّا چون مغضوب خدا هستند، وضعیّت آنها در قیامت، با کافرانِ منکر معاد تفاوتی ندارد. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكَافِرُ﴾

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۳. غافر، ۳۵.

۲. فتح، ۶.

۱. آل عمران، ۱۱۲.